



تقریر درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی دامت برکته الله

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۱۲	تاریخ	۱۴۰۰/۱۱/۰۶
عنوان ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری				
عنوان ۲	عدل سیاسی				
عنوان ۳	مبحث سوم: اصول سیاست داخلی				
عنوان ۴	اصل چهارم: تأمین حقوق شهروندی و برابری شهروندان در آن				
عنوان ۵	حق چهارم: حق تملک و ثبات مالکیت				
عنوان ۶	حقوق اقتصادی کودکان				
عنوان ۷	مطلب اول: اصل جواز تملک کودکان				

بحث ما در حقوق شهروندی بود که به حقوق اقتصادی بانوان رسیدیم و طی چند مطلب به این بحث پرداختیم و به این بحث پایان دادیم. بحث امروز ما در حقوق اقتصادی کودکان است.

حقوق اقتصادی کودکان

بحث حقوق اقتصادی کودکان را در طی چند مطلب بیان می‌کنیم:

مطلب اول: اصل جواز تملک کودکان یا حق مالکیت برای آنها

این معنا در آیات و روایات ما به طور مسلم مطرح شده و یکی از مسلمات فقه اسلامی است که کودکان مالک می‌شوند و دیگران حق تصرف در اموال آنها را ندارند مگر در حدود خاص و شرعی که باید اجازه تصرف و نوعی از ولایت را داشته باشند که یا ولایت بالوصیة داشته باشند و یا ولایت نظیر آب یا سایر اولیای شرعی و یا ولایت امام اگر ولی مستقیم آنها در دسترس نبود و وصی هم نداشت.

برای نمونه به برخی از آیات و روایات اشاره می‌کنیم. آیات متعددی اشاره به حق مالکیت کودکان دارد؛ مانند آیات ناهیه از تصرف در اموال یتیم مگر به وجه احسن؛ نظیر:

﴿وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ﴾^۱

و به مال یتیم، جز به بهترین راه نزدیک نشوید، تا به سر حد بلوغ رسد!

اصل اینکه می‌فرماید نزدیک مال یتیم نشوید، کاشف از مالکیت مال یتیم است و مراد از یتیم نیز، کودک غیر بالغ است. نیز خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ مَا أَنفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِللَّهِ وَاللَّذِينَ فِي الْأَقْبَابِ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ﴾^۲

بگو: «هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی و معنوی) که انفاق می‌کنید، باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و درماندگان در راه باشد.»

در این آیه، به انفاق بر چند طائفه توصیه شده است؛ من جمله انفاق بر یتیم که شاهد بر آن است که یتامی مالک می‌شوند. همچنین خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا﴾^۳

و اموال یتیمان را (هنگامی که به حد رشد رسیدند) به آنها بدهید! و اموال بد (خود) را، با اموال خوب (آنها) عوض نکنید! و اموال آنان را همراه اموال خودتان (با مخلوط کردن یا تبدیل نمودن) نخورید، زیرا این گناه بزرگی است!

این آیه دلالت دارد بر اینکه یتیم‌ها اموالی دارند که شارع امر کرده است که باید مال آنها را به آنها تسلیم نمود. نیز خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَإِذْ تَلَّوْا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا﴾^۴

و یتیمان را چون به حد بلوغ برسند، بیازمایید! اگر در آنها رشد (کافی) یافتید، اموالشان را به آنها بدهید! و پیش از آنکه بزرگ شوند، اموالشان را از روی اسراف نخورید!

آیات داله بر تملک یتیم و کودک بسیار زیاد است که ما برای نمونه به این مقدار اشاره کردیم و همچنین در روایات نیز این مطلب فراوان و در ابواب مختلف فقهی آمده است؛ از جمله صحیح‌ه عیس بن قاسم:

۱. سوره‌های انعام: ۱۵۲؛ اسراء: ۳۴.

۲. سوره بقره: ۲۵۱.

۳. سوره نساء: ۲.

۴. همان: ۶.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ الْعِصَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْيَتِيمَةِ مَتَى يُدْفَعُ إِلَيْهَا مَالُهَا؟ قَالَ: إِذَا عَلِمْتَ أَنَّهَا لَا تُفْسِدُ وَلَا تُضَيِّعُ. فَسَأَلْتُهِ إِنْ كَانَتْ قَدْ تَزَوَّجَتْ؟ فَقَالَ: إِذَا تَزَوَّجَتْ فَقَدْ انْقَطَعَ مُلْكُ الْوَصِيِّ عَنْهَا؛^۱

اینکه در روایت می فرماید: «مَالُهَا»، معلوم می شود آن یتیمه، مالک مال است و بحث در این است که این مالی که مال اوست را چه وقت باید در اختیار او قرار داد.
روایت دیگر چنین است:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ تِسْعَ سِنِينَ دُفِعَ إِلَيْهَا مَالُهَا وَجَازَ أَمْرُهَا فِي مَالِهَا وَ أُقِيمَتِ الْحُدُودُ التَّامَّةُ لَهَا وَعَلَيْهَا»؛^۲

در این روایت نیز می فرماید: «جَازَ أَمْرُهَا فِي مَالِهَا»، معلوم می شود پس مالکیت مال دارد.
روایت دیگر چنین است:

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ سَعْدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: «سَأَلْتُ الرِّضَا عليه السلام عَنْ وَصِيِّ أَيْتَامٍ يُدْرِكُ أَيْتَامُهُ فَيَعْرِضُ عَلَيْهِمْ أَنْ يَأْخُذُوا الَّذِي لَهُمْ فَيَأْبُونَ عَلَيْهِ، كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قَالَ: يَرُدُّ عَلَيْهِمْ وَيُكْرِهُهُمْ عَلَيْهِ»؛^۳

راوی سوال می پرسد که کسی که وصی چند یتیم است و یتیم ها به حد بلوغ می رسند و شخص مال آنها را به آنها عرضه می کند و می گوید بیایید مال خود را بگیرید اما آن یتیم ها مال را نمی گیرند؛ وصی چه کند؟ حضرت فرمود با اکراه و زور هم که شده مال را باید به آنها تحویل دهد. این روایت هم دلالت بر مالکیت ایتام می کند و هم بر اینکه زمانی که به حد بلوغ رسیدند، باید مال را به آنها تحویل داد.

اینها نمونه ای از روایات در این زمینه است که بعدا خواهیم گفت که نه تنها کودک مالک است، در حدودی حق تصرف نیز دارد؛ من جمله اینکه «إِذَا بَلَغَ الْعُلَامُ عَشْرَ سِنِينَ جَازَتْ وَصِيَّتُهُ»^۴ اگر به ده سال برسد، می تواند وصیت به مال کند و یا اینکه صدقه بدهد که این نوعی تصرف در مال است که کاشف از مالکیت اوست. احادیث از این قبیل فراوان است.

۱. وسائل الشیعة؛ کتاب الوصایا؛ باب ۴۵، ح ۱.

۲. همان؛ ح ۴.

۳. از این روایت و امثال این روایت استفاده کرده اند که تسع سنین، سن بلوغ است؛ اما ما گفته ایم که تسع سنین، سن جواز دخول به مرأه است و اگر دخول صورت گرفت، بالغ می شود. یعنی اسباب بلوغ دختر سه چیز است: ۱. اینکه خون ببیند. ۲. اینکه ۹ سال او گذشته باشد و ازدواج کند و دخول به او صورت بگیرد. ۳. اینکه ۱۳ سال او تمام شود.

۴. وسائل الشیعة؛ کتاب الوصایا؛ باب ۴۷، ح ۱.

۵. همان؛ باب ۴۴، ح ۳.

بنابراین در اسلام، کودک مالک می شود؛ البته مادامی که کودک به دنیا نیامده و جنین است، مالک نمی شود؛ اما مانع می شود؛ یعنی اگر زنی حامله است و شوهر این زن از دنیا برود، این جنین مانع از این می شود که اموال را تقسیم کنند؛ اگر زنده به دنیا آمد، اموال را تقسیم کرده و برای او سهمی قائل می شوند که این نیز نشانه مالکیت کودک از بدو تولد است.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین